

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۳

آیه ۴۱ - ۴۴

آیه و ترجمه

و آية لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون ۴۱
و خلقنا لهم من مثله ما يركبون ۴۲
و ان نشا نغرقهم فلا صريخ لهم و لا هم ينقذون ۴۳
الا رحمة منا و متعا الى حين ۴۴

ترجمه :

۴۱ - این نیز برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت پروردگار) که مافزندانشان را در کشتیهایی که مملو (از وسائل و بارها است) حمل کردیم.
۴۲ - و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم.
۴۳ - و اگر بخواهیم آنها را غرق میکنیم، به طوری که نه فریادرسی داشته باشند، و نه کسی آنها را از دریا بگیرد.
۴۴ - مگر باز هم رحمت ما شامل حال آنها شود و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند.

تفسیر :

حرکت کشتیها در دریاها نیز آیتی است

گرچه بعضی از مفسران مانند قرطبی نخستین آیه مورد بحث را از پیچیده‌ترین آیات این سوره شمرده، ولی دقت در این آیات و پیوندشان با آیات قبل نشان میدهد پیچیدگی خاصی در تفسیر این آیات نیست، زیرا در آیات پیشین سخن از نشانه‌های پروردگار در آفرینش آفتاب و ماه و شب و روز و همچنین زمین و برکات زمین بود، و در آیات مورد بحث سخن از دریاها و بخشی از نعمتها و مواهب دریا یعنی حرکت کشتیهای تجاری و مسافربری بر صحنه آنها میباشد.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۴

به علاوه حرکت این کشتیها در دل اوقیانوسها بیشباهت به حرکت کواکب

آسمان در اقیانوس فضا نیست.

لذا نخست می‌فرماید این نیز برای آنها آیت و نشانه‌ای است از عظمت پروردگار که ما فرزندانمان را در کشتیهایی که مملو از وسائل زندگی است حمل کردیم (و آیه لهم انا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون). ضمیر «لهم» نه تنها به مشرکان مکه بلکه به همه عباد و بندگان خدا باز می‌گردد که در آیات گذشته از آنها سخن در میان بود.

«ذریه» چنانکه «راغب» در «مفردات» آورده: در اصل به معنی فرزندان کوچک است هر چند گاهی در تعبیرات متعارف به همه فرزندان، اعم از کوچک و بزرگ، اطلاق میشود، این کلمه هم به معنی مفرد استعمال میشود و هم معنی جمع.

و اینک می‌گوید: ما فرزندان آنها (یا فرزندان کوچک آنها را) بر این کشتیه‌ها حمل کردیم بی آنکه از خودشان سخنی بگویند شاید به این مناسبت است که فرزندان نیاز بیشتری به این مرکب را هوار دارند، چراکه بزرگترها برای پیاده روی و پیمودن سواحل دریاها آماده‌ترند.

از این گذشته این تعبیر برای تحریک عواطف آنها مناسب‌تر می‌باشد. تعبیر به «مشحون» (پر) اشاره به این است که نه تنها خودشان بر کشتی سوار میشوند بلکه مال التجاره و وسائل مورد نیاز آنها نیز با آن حمل و نقل می‌گردد.

و اینک بعضی «فلک» را در آیه فوق به خصوص کشتی نوح تفسیر کرده‌اند و «ذریه» را به معنی آباء و پدران (از ماده «ذراء» به معنی آفرینش) تفسیر بعیدی به نظر میرسد، مگر اینک منظور بیان یک مصداق روشن بوده باشد. به هر حال حرکت کشتیه‌ها که بزرگترین و مهمترین وسیله حمل و نقل بشری باشد، و کاری که از آنها ساخته است هزاران برابر مرکبهای دیگر است،

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۵

نتیجه خواص ویژه آب و وزن مخصوص اجسامی که کشتی از آن ساخته شده، و خاصیت بادها (در کشتیه‌های بادبانی) و نیروی بخار (در کشتیه‌های موتوری) و انرژی اتمی (در کشتیهایی که با نیروی اتم کار می‌کند) می‌باشد. و همه اینها قوا و نیروهای است که خدا مسخر انسان ساخته و هر یک از آنها و نیز مجموعه آنها آیتی از آیات الهی است.

و برای اینکه توهّم نشود که تنها مرکب خداداد کشتیهاست در آیه بعدمی افزاید: «و ما برای آنها مرکبهای دیگری مانند آن آفریدیم» (و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون). مرکبهایی که در خشکی یا در هوا و فضا راه می رود، و انسانها و وسائل آنها را بر دوش خود حمل می کند. گرچه بعضی این آیه را تفسیر به خصوص شتر کرده اند که «کشتی صحرا» نام گرفته، و بعضی به همه چهار پایان، و بعضی به هواپیماها و سفینه های فضائی که در عصر ما اختراع شده (و تعبیر به «خلقنا» در مورد آنها از این نظر است که مواد و وسائل آن قبلاً آفریده شده است). ولی اطلاق تعبیر آیه مفهوم وسیعی را ترسیم میکند که همه اینها و غیراینها را فرا می گیرد. البته در بعضی از آیات قرآن کراراً «انعام» (چهار پایان) در کنار «فلک» (کشتیها) قرار گرفته است، مانند و جعل لکم من الفلک والانعام ما ترکبون: «از کشتیها و چهار پایان موجوداتی آفرید که بر آنها سوار می شوید» (زخرف - ۱۲) و نیز در آیه ۸۰ سوره مؤمن می خوانیم: و علیها و علی الفلک تحملون: بر چهار پایان و کشتیها حمل (سوار) می شوید. ولی این آیات نیز منافاتی با عمومیت مفهوم آیه مورد بحث ندارد.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۶

آیه بعد برای روشنتر ساختن این نعمت بزرگ حالتی را که از دگرگون شدن این نعمت به وجود می آید بیان میکند می گوید: «اگر بخواهیم آنها را غرق می کنیم، آنچنان که نه فریادرسی داشته باشند، و نه کسی که آنها را از دریا بگیرد» (و ان نشا نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون). به یک موج عظیم فرمان می دهیم کشتی آنها را واژگون کند! یا به یک گرداب ماموریت می دهیم آنها را در کام خود فرو بلعد! یا به یک طوفان دستور می دهیم آنها را مانند یک پر کاه بردارد و در وسط امواج پرتاب کند! و اگر بخواهیم خاصیت آب و کشتی و نظم وزش باد و آرامش دریا را بر هم می زنیم تا همه چیز آنها به هم ریزد، این مائیم که این نظام را تداوم می بخشیم، تا آنها بهره گیرند، و اگر گهگاه حوادثی از این قبیل می فرستیم برای این است که از روی آن اهمیت نعمتی را که در

آن غرقند بدانند.

«صریخ» از ماده «صراخ» به معنی فریادرس است.

و «ینقذون» از ماده «انقاذ» به معنی بر گرفتن و نجات دادن است. و سرانجام آخرین آیه مورد بحث برای تکمیل این سخن میافزاید: «مگر باز هم رحمت ما شامل حال آنها شود، و تا زمان معینی که پایان زندگی آنهاست از این زندگی بهره گیرند» (الا رحمة ومتاعا الی حین). آری با هیچ وسیله‌ای آنها نمیتوانند نجات یابند جز اینکه نسیم رحمت ما بوزد و لطف ما به یاری آنها بشتابد.

«حین» به معنی وقت، در آیه فوق اشاره به پایان زندگی انسان واجل او است و بعضی آن را به پایان جهان تفسیر کرده‌اند. آری آنها که بر کشتی سوار شده‌اند (اعم از کشتیه‌های بادبانی کوچک قدیم

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۷

و یا کشتیه‌های کوه پیکر اوقیانوس پیمای امروز) به خوبی عمق تعبیر این آیه را درک کرده‌اند که عظیمترین کشتیه‌های جهان در برابر امواج عظیم دریا و طوفانهای هولناک اوقیانوسها همچون یک پر کاه است و اگر رحمت الهی شامل حال انسانها نباشد نجات آنها ممکن نیست. او می‌خواهد در این باریکهای که در میان مرگ و زندگی است قدرت عظیم خود را به انسانها نشان دهد شاید گمگشتگان راه به خود آیند و از این طریق راهی به سوی او بگشایند.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۸

آیه ۴۵ - ۴۷

آیه و ترجمه

و اذا قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم و ما خلفكم لعلكم ترحمون ۴۵
و ما تاتيهم من اية من ايت ربهم الا كانوا عنها معرضين ۴۶
و اذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين ءامنوا انطعمم من لو
يشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلل مبين ۴۷

ترجمه :

۴۵ - هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه پیش رو و پشت سر شما است (از

عذابهای الهی) بترسید، تا مشمول رحمت الهی شوید (اعتنانمی کنند).
۴۶ - و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی گردان می‌شوند.

۴۷ - و هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید کافران به مومنان می‌گویند آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدای خواست او را اطعام می‌کرد (پس خدا خواسته که او گرسنه باشد) شما فقط در گمراهی آشکارید.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۳۹۹

تفسیر :

تمام آیات الهی را نادیده می‌گیرند

از آنجا که در آیات گذشته سخن از بحثهای مهمی از آیات پروردگار درپهنه جهان هستی بود، در آیات مورد بحث عکس العمل کفار لجوج رادر برابر آیات الهی، و همچنین دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و انداز به عذاب پروردگار بیان می‌کند.

در نخستین آیه می‌فرماید: «هنگامی که به آنها گفته می‌شود از آنچه پیش رو و پشت سر شماست از عذابهای الهی بپرهیزید، تا مشمول رحمت الهی شوید، اعراض می‌کنند و رویگردان می‌شوند» (و اذاقیل لهم اتقوا ما بین ایدیکم و ما خلفکم لعلکم ترحمون).

در اینکه منظور از «ما بین ایدیکم» (آنچه پیش روی شماست) «و ما خلفکم» (آنچه پشت سر شما قرار دارد) چیست؟ مفسران تفسیرهای بسیاری گفته‌اند:

از جمله اینکه منظور از «ما بین ایدیکم» مجازاتهای دنیاست که نمونه‌ای از آن در آیات قبل ذکر شده، و منظور از «ما خلفکم» مجازاتهای آخرت است که در «پشت سر» دارند، و تعبیر به پشت سر به خاطر آنست که هنوز نیامده، گوئی پشت سر انسان در حرکت است، و سرانجام روزی به او میرسد و دامنش را می‌گیرد، و منظور از پرهیز کردن از این مجازاتها این است که عوامل آن را ایجاد نکند و به تعبیر دیگر کاری نکند که مستوجب این عقوبات گردد.

شاهد این سخن اینکه تعبیر به «اتقوا» در آیات قرآن یا در مورد خداوند به

کار رفته، و یا در مورد روز قیامت و مجازات الهی که درحقیقت هر دو به یک معنی باز می‌گردد، چرا که پرهیز از خداوند پرهیز از مجازات اوست.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۰

این خود دلیل بر آنست که در آیه مورد بحث نیز منظور پرهیز از عذاب و مجازات الهی در این جهان و جهان دیگر است. بعضی آیه را به عکس این معنی تفسیر کرده‌اند: «ما بین ایدی» را به عذاب آخرت و «ما خلفکم» را به عذاب دنیا، چرا که آخرت درپیش روی ما قرار دارد (این تفسیر تفاوت چندانی از نظر نتیجه با تفسیر اول ندارد). ولی بعضی گفته‌اند منظور از «پیش‌رو» گناهای است که قبلاً انجام شده که پرهیز از آن به معنی توبه و جبران است، و منظور از «پشت‌سر» گناهای است که بعداً انجام می‌شود. بعضی دیگر معتقدند که منظور از «پیش‌رو» گناهان آشکار و «پشت‌سر» به معنی گناهان پنهان است. بعضی دیگر «ما بین ایدیکم» را اشاره به انواع عذاب دنیا، و «ما خلفکم» را اشاره به مرگ میدانند (در حالی که مرگ چیزی نیست که قابل پرهیز کردن باشد). بعضی مانند نویسنده «فی ظلال» این دو تعبیر را کنایه از احاطه موجبات غضب و عذاب الهی دانسته که کافران را از هر سو فرا گرفته است. آلوسی در «روح المعانی» و فخر رازی در «تفسیر کبیر» هر کدام احتمالات متعددی داده‌اند که قسمتی از آن گفته شد، و علامه طباطبائی در «المیزان» «ما بین ایدیکم» را اشاره به شرک و معاصی در دنیا می‌داند، و «ما خلفکم» را اشاره به عذاب در آخرت. در حالی که ظاهر آیه اینست که این هر دو از یک جنس می‌باشند تنهاتفاوت زمانی دارند، نه اینکه یکی اشاره به شرک و گناه و دیگری اشاره به مجازات آن باشد.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۱

به هر حال بهترین تفسیر برای این جمله همانست که در آغاز گفته شد و آیات مختلف قرآن نیز گواه بر آن است، و آن اینکه منظور از «ما بین ایدیکم»

مجازاته‌ای دنیاست و «ما خلفکم» مجازاته‌ای آخرت. در آیه بعد بار دیگر روی همین معنی تاکید می‌کند و لجاجت و پافشاری این کوردلان را در نادیده گرفتن آیات الهی و تعلیمات پیامبران مشخص ساخته، می‌فرماید: هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن رویگردان می‌شوند (و ما تاتیه‌هم من آیه من آیات ربهم الا کانوا عنها معرضین). نه بیان آیات انفسی در آنها مؤثر است، و نه شرح آیات آفاقی، نه تهدید و انداز، و نه بشارت و نوید به رحمت الهی، نه منطق عقل و خرد رامی‌پذیرند و نه فرمان عواطف و فطرت را، آنها به کورانی میمانند که نزدیکترین اشیاء اطراف خود را مشاهده نمیکنند و حتی نور آفتاب را از ظلمت و تاریکی شب فرق نمینهند! سپس قرآن انگشت روی یکی از موارد مهم لجاجت و اعراض آنها گذارده می‌گوید: «هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا به شما روزی کرده است در راه او انفاق کنید کافران به مؤمنان می‌گویند: آیا ماکسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را سیر میکرد، شما تنها در گمراهی آشکارید»!

(و اذا قيل لهم انفقوا مما رزقکم الله قال الذین کفروا للذین آمنوا انطعم من لو یشاء الله اطعمه ان انتم الا فی ضلال مبین).

این همان منطق بسیار عوامانه‌ای است که در هر عصر و زمان از ناحیه افراد خود خواه و بخیل مطرح می‌شود که می‌گویند: اگر فلانی فقیر است لابد

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۲

کاری کرده که خدا می‌خواهد فقیر بماند، و اگر ما غنی هستیم لابد عملی انجام داده‌ایم که مشمول لطف خدا شده‌ایم، بنا بر این نه فقر آنها و نه غنای ما هیچکدام بی حکمت نیست!!

غافل از اینکه جهان میدان آزمایش و امتحان است، خداوند یکی را باتنگدستی آزمایش میکند، و دیگری را با غنا و ثروت، و گاه یک انسان را در دو زمان با این دو در بوته امتحان قرار میدهد که آیا به هنگام فقرامانت و مناعت طبع و مراتب شکرگزاری را بجا می‌آورد؟ یا همه را زیرپا می‌گذارد؟ و به هنگام غنا از آنچه در اختیار دارد در راه او انفاق میکند یا نه؟

گرچه بعضی آیه فوق را بر گروه خاصی، مانند یهود یا مشرکان عرب و یا جمعی از ملحدین و منکران آئینهای انبیا، تطبیق کرده‌اند، ولی ظاهراً این

است که آیه مفهوم عامی دارد که در هر عصر و زمانی مصداق‌هایی برای آن میتوان یافت، هر چند مصداق آن در عصر نزول آیه افرادی از یهود یا مشرکان بوده‌اند، این یک بهانه عمومی در طول اعصار و قرون بوده و هست که می‌گویند اگر رازق خداوند است پس چرا شما از مامیخواهید که افراد فقیر را روزی دهیم؟ و اگر خدا خواسته است آنها محروم بمانند پس چرا ما کسی را بهره‌مند سازیم که خدا محروم‌شان ساخته؟

بیخبر از اینکه گاه نظام تکوین چیزی ایجاب میکند و نظام تشریع چیز دیگر. نظام تکوین چنین ایجاب کرده که خداوند زمین را با تمام مواهبش در اختیار بشر قرار دهد، و آنها را در اعمال خود برای طی کردن مسیر تکامل آزاد بگذارد، و در عین حال غرائزی در او آفریده که هر کدام او را به سوئی سوق می‌دهد.

و نظام تشریع چنین ایجاب کرده که قوانینی برای کنترل غرائز، تهذیب

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۳

نفوس، و تربیت انسانها از طریق ایثار و فداکاری و گذشت و انفاق قرار دهد، و انسان را که استعداد رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی دارد از این طریق به آن مقام منیع برساند، از طریق زکات تطهیر نفوس کند، و از طریق انفاق بخل را از دلها بزدايد، و فاصله طبقاتی را که منشاء هزاران فساد در زندگی بشر است از بین ببرد.

این درست به آن می‌ماند که افرادی بگویند چه ضرورتی دارد که مادرش بخوانیم و یا دیگری را درس بدهیم؟ اگر خدا میخواست به همه ما علم می‌داد تا هیچکس نیاز به فرا گرفتن علم نداشته باشد، آیا هیچ عاقلی این منطق را می‌پذیرد؟.

جمله «قال الذین کفروا» که تکیه روی عنوان کفر آنها کرده با اینکه ممکن بود به جای آن تنها از ضمیر استفاده شود اشاره به این است که این منطقهای خرافی و بهانه جوئیها از «کفر» سرچشمه می‌گیرد!

و تعبیر «مؤمنان» به «انفقوا مما رزقکم الله» (انفاق کنید از آنچه خداوند به شما روزی داده) اشاره به این است که در حقیقت مالک اصلی خداست هر چند این امانت چند روزی به دست ما و شما سپرده شده است، و چقدر بخیلند کسانی که حاضر نیستند حتی مال کسی را به دیگری به فرمان او

بدهند؟!

در تفسیر جمله «ان انتم الا فی ضلال مبین» (شما در گمراهی آشکاری هستید) سه احتمال وجود دارد:

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۴

نخست اینکه دنباله گفتار کفار نسبت به مؤمنان است. دیگر اینکه خطاب خدا نسبت به کفار می باشد. سوم سخن مؤمنان در برابر کافران است. ولی تفسیر اول از همه مناسبتر است چرا که ارتباط و اتصال با کلمات کفار دارد در حقیقت آنها می خواستند در برابر مؤمنان مقابله به مثل کنند و آنان را به ضلال مبین نسبت دهند!

آیه ۴۸ - ۵۳

آیه و ترجمه

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۵

۴۸ و يقولون متی هذا الوعد ان كنتم صدقين
۴۹ ما ينظرون الا صيحة واحدة تاخذهم و هم يخصمون
۵۰ فلا يستطيعون توصية و لا الى اهلهم يرجعون
۵۱ و نفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون
۵۲ قالوا يويلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون
۵۳ ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدينا محضرون

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۶

ترجمه :

۴۸ - آنها می گویند اگر راست میگوئید این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!
۴۹ - (اما) جز این انتظار نمی کشند که یک صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فرو گیرد در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند!
۵۰ - (چنان غافلگیر میشوند که حتی) نمی توانند وصیتی کنند، یا به سوی خانواده خود مراجعت نمایند!

۵۱ - (بار دیگر) در صور دمیده میشود ناگهان آنها از قبرها شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان میروند.

۵۲ - می‌گویند ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرستادگان (او) راست گفتند.

۵۳ - صیحه واحدی بیش نیست (فریادی از این برمیخیزد) ناگهان همگی نزد ما حاضر میشوند.

تفسیر :

صیحه های رستاخیز!

به دنبال ذکر منطق سست و بهانه جویانه کفار در مورد انفاقها که در آیات قبل گذشت، در آیات مورد بحث سخن را از استهزاء آنها نسبت به قیام قیامت شروع میکند، و منطق پوسیده آنها را در مورد انکار معاد با جواب قاطع درهم میکوبد.

به علاوه بحث‌هایی را که در طی آیات پیشین در زمینه توحید بیان شد بابحث‌های معاد تکمیل می‌نماید.

نخست میفرماید «آنها می‌گویند: اگر راست می‌گوئید این وعده‌های را که شما میدهید کی خواهد آمد»؟! (و يقولون متی هذا الوعد ان كنتم صادقین). اینکه شما نمی‌توانید تاریخی برای قیام قیامت تعیین کنید دلیل بر این است که در گفتار خود صادق نیستید!

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۷

آیه بعد به این سؤال توأم با سخریه یک پاسخ محکم و جدی داده می‌گوید: قیام قیامت و پایان این جهان برای خدا مساله پیچیده، و کارمشکلی نیست: آنها جز این انتظار نمی‌کشند که یک صیحه عظیم آسمانی فرا رسد و آنان را ناگهانی فرو گیرد در حالی که مشغول جنگ وجدال در مورد دنیای خویش هستند! (ما ينظرون الا صيحة واحدة تاخذهم و هم يخصمون).

همین یک فریاد عظیم آسمانی کافی است که همه را در یک لحظه کوتاه، هر کدام در همان مکان و همان حالتی که هستند قبض روح کند، و زندگی پر غوغای مادی آنها که معرکه دعوای و میدان جنگ دائمی آنان است جای خود را به دنیائی خاموش و خالی از هر سر و صدا بدهد.

در روایات اسلامی از پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که این صیحه آسمانی آنچنان غافلگیرانه است که دو نفر درحالی که پارچه‌های را گشوده‌اند و مشغول معامله‌اند پیش از آنکه آن را برچینند و بپیچند جهان پایان مییابد! و کسانی هستند که در آن لحظه لقمه غذا از ظرف برداشته اما پیش از آنکه به دهان آنها برسد صیحه آسمانی فرا میرسد و جهان پایان می‌یابد، کسانی هستند که مشغول تعمیر و گل مالی حوضند تا چهار پایان را سیراب کنند پیش از آنکه چهار پایان سیراب شوند قیامت بر پا میشود! (تقوم الساعة و الرجلان قد نشرا ثوبهما يتبايعانه فما يطويانه حتى تقوم!، و الرجل يرفع اكلته الى فيه فما تصل الى فيه حتى تقوم!، و الرجل يليط حوضه ليسقى ماشيته فما يسقيها حتى تقوم!).

جمله «ما ينظرون» در اینجا به معنی «انتظار نمی‌کشند» آمده است، زیرا ماده «نظر» چنانکه «راغب» در «مفردات» می‌گوید به معنی گردش فکر

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۸

یا اندیشه است برای مشاهده یا ادراک چیزی، و گاه به معنی تأمل و جستجوگری، و نیز به معنی معرفت حاصل از جستجوگری آمده است.

«صیحه» در اصل به معنی شکافتن چوب یا لباس و برخاستن صدا از آن است، سپس در هر صدای بلند، و فریاد مانند، به کار رفته، گاه به معنی طول قامت نیز آمده، مثلاً گفته میشود: بارض فلان شجر قد صاح! «در فلان زمین درختی است که فریاد میکشد» یعنی آنچنان طولانی شده که گوئی فریاد میزند و مردم را به سوی خود میخواند.

«یخضمون» از ماده خصومت به معنی نزاع و جنگ است.

اما در چه چیز آنها جدال میکنند؟ در آیه ذکر نشده است، ولی پیدا است که منظور جدال در امر دنیا، و امور زندگی مادی است، ولی بعضی آن را به معنی جدال در امر «معاد» گرفته‌اند، در حالی که معنی اول مناسبتر به نظر میرسد، هر چند اراده معنی جامعی که شامل هر دو شود و هر گونه جدال و مخاصمه را در بر گیرد نیز بعید نیست.

قابل توجه اینکه ضمیرهای متعدد موجود در آیه همه، به مشرکان مکه برگردد که در امر معاد تردید داشتند، و از روی استهزا می‌گفتند: قیامت کی

بر پا خواهد شد؟

ولی مسلم است منظور شخص آنها نیست، بلکه نوع آنهاست (نوع انسانهای غافل و بیخبر از امر معاد) زیرا آنها مردند و این صیحه آسمانی را هرگز ندیدند (دقت کنید).

به هر حال قرآن با این تعبیر کوتاه و قاطع به آنها هشدار میدهد که اولاقیامت به طور ناگهانی و غافلگیرانه بر پا میشود، و ثانیاً موضوع پیچیدهای نیست که آنها در امکانش به بحث و مخاصمه برخیزند، بایک صیحه، همه چیز پایان میگیرد و دنیا به آخر میرسد.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۰۹

لذا در آیه بعد می‌گوید: این مساله به قدری سریع و برق‌آسا و غافلگیرانه است که حتی توانائی بر وصیت و سفارش نخواهند داشت، و حتی فرصت مراجعت به سوی خانواده و منزلهای خود را پیدا نمیکنند!! (فلا يستطيعون توصية ولا الى اهلهم يرجعون).

معمولاً هنگامی که حادثهای به انسان دست میدهد و انسان احساس میکند پایان عمرش نزدیک شده، سعی میکند هر جا هست خود را به منزل و ماوای خویش برساند، و در میان همسر و فرزندان قرار گیرد، سپس کارهای نیمه تمام و سرنوشت بازماندگان خود را از طریق وصیت بر عهده این و آن بگذارد و سفارش آنها را به دیگران بکند.

اما مگر صیحه پایان دنیا به کسی مجال میدهد؟ و یا به فرض اینکه مجالی باشد مگر کسی زنده میماند که توصیه‌های انسان را بشنود؟ و یافی المثل زن و فرزند بر بالین همسر و پدر بنشینند و سر او را در آغوش گیرند تا به آرامش جان دهند؟ هیچیک از این امور، امکان پذیر نیست.

و اینکه می‌بینیم «توصیه» به صورت نکره آمده اشاره به این است که حتی مجال یک توصیه و سفارش کوچک را نیز پیدا نمیکنند.

سپس به مرحله دیگر که مرحله حیات بعد از مرگ است اشاره کرده، می‌گوید: «بار دیگر در صور دمیده میشود، ناگهان همه آنها از قبرها بیرون آمده، شتابان به سوی دادگاه پروردگارشان رهسپار میشوند» (ونفخ فی الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون).

خاکها و استخوانهای پوسیده به فرمان پروردگار لباس حیات در تن میپوشند،

و از قبر سر بر می آورند، و برای محاکمه و حساب در آن دادگاه عجیب حاضر میگردند، همانگونه که با یک صیحه همگی مردند با یک (نفخه)

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۰

(دمیدن در صور) جان میگیرند و زنده میشوند، نه مرگ آنها برای خدامشکلی دارد، و نه احیای آنها، درست همانند شیپوری که برای جمع شدن و آماده باش لشکر زده میشود، و در یک لحظه، همه از خواب برمیخیزند، و از خیمه ها بیرون میدوند، و در صف حاضر میشوند، زنده کردن مردگان نیز برای خدا همین گونه ساده و سریع است!

«اجداث» جمع «جدث» (بر وزن قفس) به معنی قبر است، این تعبیر به خوبی نشان میدهد که معاد علاوه بر جنبه روحانی جنبه جسمانی نیز دارد، و از همان مواد قبلی جسم جدید ساخته و پرداخته میشود.

تعبیر به «نفخ» (دمیده شد) به صورت فعل ماضی به خاطر آنست که عرب معمولاً مسائل مسلم آینده را به صورت فعل ماضی بیان میکند، اشاره به اینکه هیچگونه شک و تردیدی در آن راه ندارد گوئی قبلاً رخ داده است.

«ینسلون» از ماده «نسل» (بر وزن فصل) به معنی راه رفتن سریع است راغب در مفردات می گوید این کلمه در اصل به معنی جدا شدن از چیزی است، و اینکه به فرزندان انسان نسل گفته میشود به خاطر آنست که از پدر و مادر جدا شده اند، (بنا بر این هنگامی که انسان با سرعت دور میشود و جدا میگردد این تعبیر در آن به کار میرود).

تعبیر به «ربهم» (پروردگارشان) گویا اشاره به این است که ربوبیت و مالکیت و تربیت خداوند ایجاب میکند که حساب و کتاب و معادی در کار باشد. به هر حال از آیات قرآن به خوبی استفاده میشود که پایان این جهان و آغاز جهان دیگر هر دو با یک جنبش انقلابی و ناگهانی صورت میگیرد، و از هر کدام از آنها به «نفخه صور» (دمیدن در شیپور) تعبیر شده است که شرح کامل آن به خواست خداوند در سوره زمر ذیل آیه ۶۸ خواهد آمد.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۱

سپس میافزاید: در این هنگام منکران رستاخیز و معاد می گویند: ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟! (قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا).

«این همان چیزی است که خداوند رحمن وعده داده است، و فرستادگان او راست گفتند»! (هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون).

آری صحنه آنچنان گویا و دهشتانگیز است که انسان همه مسائل باطل و خرافی را به دست فراموشی میسپرد، و جز اعتراف صریح به واقعیتها راهی نمییابد، قبرها را به خوابگاهی تشبیه میکند، و رستاخیز را به بیدار شدن از خواب، همانگونه که در حدیث معروف نیز وارد شده است: کما تنامون تموتون و کما تستیقضون تبعثون همانگونه که میخوابید میمیرید و همانگونه که از خواب برمی خیزید زنده میشوید».

در اینجا نخست وحشت میکنند و فریاد میکشند که ای وای بر ما چه کسی ما را از این خواب بیدار کرد؟ و از خوابگاهمان برانگیخت؟! اما به زودی متوجه میشوند و به یادشان می آید که پیامبران راستین از سوی خدا در دنیا وعده امروز را به آنها داده اند، به خودشان پاسخ می گویند: این وعده خداوند رحمن است، خداوندی که رحمت عامش همگان را فرا گرفته و پیامبران را راست گفتند، و از این روز ما را آگاه ساختند، اما افسوس که ما همه را به باد سخریه و استهزا گرفتیم.

بنابراین جمله «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون» دنباله کلام همان منکران رستاخیز است، ولی بعضی آن را سخن فرشتگان و یامؤمنان دانسته اند که بر خلاف ظاهر آیه است، و هیچ ضرورتی برای آن نیست، چه اینکه اعتراف منکران در آن روز به حقایق مطلبی نیست که تنها در این آیه آمده باشد، چنانکه در سوره انبیاء آیه ۹۷ آمده است واقترب الوعد الحق فاذا هی شاخصة ابصار

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۲

الذین كفروا یا ویلسنا قد كنا فی غفلة من هذا بل كنا ظالمین: «و وعده حق (قیامت) نزدیک میشود در آن هنگام چشمهای کافران از شدت وحشت از حرکت باز میماند، می گویند: ای وای بر ما که از این امر در غفلت بودیم، بلکه ما ستمگر بودیم».

به هر حال تعبیر به «مرقد» که به معنی «خوابگاه» و «خواب» می آید. بیانگر این واقعیت است که آنها در عالم برزخ در حالتی شبیه به حالت خواب فرو میروند و چنانکه در ذیل آیه ۱۰۰ سوره مؤمنین گفته ایم برزخ

نسبت به اکثریت مردم که در حالتی متوسط از ایمان و کفر قرار دارند بی‌شبهات به حالت خواب نیست، در حالی که مؤمنان پیشرو، و کافران فوق العاده بدکار در آنجا کاملاً هوشیارند و متنعم به نعمتها و یا گرفتار انواع عذابند.

بعضی نیز احتمال داده‌اند که هول و وحشت قیامت به اندازه‌های است که عذاب برزخی در مقابل آن همانند خواب آرامی بیش نیست.

سپس برای توضیح چگونگی سرعت وقوع این نفخ صور میفرماید: «آن صیحه واحدی بیش نیست، فریادی عظیم برمیخیزد و همگی نزدما حاضر میشوند»

(ان كانت الا صيحة واحدة فاذا هم جميع لدینا محضرون). بنابراین برای احیای مردگان و برخاستن آنها از قبرها و حضورشان در دادگاه عدل پروردگار زمان زیادی وقت لازم نیست، همانگونه که برای مرگ انسانها زمان طولانی لازم نبود، صیحه اول فریاد مرگ است، و صیحه دوم فریاد زندگی و حیات و حضور در دادگاه عدل پروردگار!

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۴۱۳

تعبیر به «صیحه» (یک فریاد) و تاکید آن با «واحدة» و سپس تعبیر به «اذا» که در این گونه موارد وقوع ناگهانی چیزی را خبر میدهد، و تعبیر به «هم جميع لدینا محضرون» به صورت جمله اسمیه همگی دلیل بر وقوع سریع این مقطع از رستاخیز است. لحن قاطع این آیات و آهنگ نافذ آنها چنان در قلب انسانها اثر میگذارد که گوئی این فریاد را با گوش جان میشنوند که ای انسانهای به خواب رفته! ای خاکهای پراکنده! و ای استخوانهای پوسیده! بپاخیزید، بپاخیزید و برای حساب و جزا آماده شوید، و چه زیباست آیات قرآن و چه گویا اندازات آن؟

